

Validation of the final part of Fadakiyeh's sermon

Hassan Ahmadi Delaviz¹ / Masoume Esmaili²

(DOI): 10.22034/SKH.2023.14417.1340

Original Article

P 7 - 24

Abstract

Hazrat Zahra's speech in Medina mosque, which is known as Fadakiyeh sermon, is one of the most authentic sermons and has valuable and guiding themes. It has been narrated by Fariqin due to its position and importance in various sources, including historical, narrative, and commentary, of course, not in the same and uniform way, but with differences in the text, the main difference is in the final paragraph, which is with the phrase begins. Proving or denying that this part is a sermon forms the basic issue of this article. The result obtained in this work, which was obtained using the analytical descriptive method, is that the disputed paragraph cannot be a part of the sermon. In addition to rejecting the justifications and reasons presented to prove its issuance by Hazrat Fatimah, there are four important reasons and witnesses, i.e. the non-quotation of this passage in the previous sources, contradicting the infallibility of Hazrat Zahra, the contradiction of this section with his other words about Amirul Momineen and The contrast of the mentioned paragraph with other parts of Fadakiyeh's sermon was presented in order to prove the claim.

Keywords: evaluation of validation, Hazrat Zahra (pbuh), Imam Ali (pbuh), sermon of Fadak, imamate.

1 - Ahl al-Bayt (AS) History Department, History, Sira and Islamic Civilization Complex of Al-Mustafa (PBUH) Al-Alamiya University, Qom, Iran. hasan_ahmadyandelaviz @miu.ac.ir

2 - Department of Shia Studies, Hoda Faculty, Qom, Iran. masomehesmaeehi@yahoo.com

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

اعتبارسنجی بخش پایانی خطبه فدکیه

(فراز نم انکفآت س و امیرالمؤمنین ع یتوقع و...)

حسن احمدیان دلاویز (نویسنده مسئول)^۱، معصومه اسماعیلی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2023.14417.1340

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۲۴/۷

چکیده

سخنان حضرت زهرا س در مسجد مدینه که به نام خطبه فدکیه شناخته می شود، از معتبرترین خطبه ها و دارای مضامین ارزشمند و هدایتگرانه است. به جهت جایگاه و اهمیت آن در گونه های مختلف منابع از جمله تاریخی، روایی و تفسیری فریقین نقل شده است، البته نه به شکل یکسان و یکنواخت بلکه با تفاوت هایی در متن، اختلاف عمده در فراز پایانی آن است که با عبارت «ثم انکفآت (س) و امیرالمؤمنین (ع) یتوقع» آغاز می شود. اثبات یا نفی خطبه بودن این بخش، مساله اساسی مقاله حاضر را شکل می دهد. نتیجه به دست آمده در این اثر که با بهره مندی از روش توصیفی تحلیلی حاصل شد، آنست که فقره مورد اختلاف، نمی تواند جزئی از خطبه باشد. علاوه بر رد توجیهات و دلایل ارائه شده برای اثبات صدور آن از سوی حضرت فاطمه س، چهار دلیل و شاهد مهم یعنی عدم نقل این فراز در منابع متقدم، منافات داشتن با عصمت حضرت زهرا س، تناقض این بخش با سایر سخنان ایشان درباره امیرالمؤمنین و تضاد فقره مذکور با سایر بخش های خطبه فدکیه، در راستای اثبات مدعا ارائه گردید.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، حضرت زهرا(س)، امام علی(ع)، خطبه فدک، امامت

^۱ - استادیار گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران

hasan_ahmadiyandelaviz@miu.ac.ir

^۲ - استادیار گروه شیعه شناسی، دانشکده هدی، قم ایران. masomehesmaeehi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰



مقدمه

سخنان حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه و احتجاج ایشان با ابوبکر در دوره زمامداری وی، در زمینه فدک در حضور شماری از مردم از مسلمات تاریخی است که در بسیاری از منابع متقدم روایی، تفسیری و تاریخی انعکاس یافته است.^۱ بنابراین در قطعیت صدور اصل خطبه از حضرت زهرا (س) میان متقدمین و متاخرین اختلافی نیست. اهمیت پرداخت به آن نیز از جهت صدور خطبه از شخصیتی ممتاز و معصوم یعنی حضرت زهرا س و همچنین محتوای دقیق، عمیق و ارزشمند آن که مشتمل بر معارف اصیل اسلامی است، اشاره کرد. همین جایگاه عظیم خطبه، سبب شده تا در طول تاریخ اسلام، محققان آنرا مورد توجه قرار داده و در منابع خود نقل کرده و یا شرح مستقلاً درباره آن بنگارند. مساله مورد پژوهش درباره بخش پایانی از خطبه است که با عبارت «ثم انکفأت (س) و امیرالمؤمنین (ع) یتوقع رجوعها الیه» آغاز شده و در برخی از منابع به عنوان سخنان حضرت زهرا س به شمار آمده است اما مدعای اثر حاضر، نفی خطبه بودن این فقره و عدم صدور آن از سوی فاطمه زهرا س است. علی رغم فراوانی شروح نوشته شده بر این خطبه و همچنین مقالات نگاشته شده در زمینه خطبه فدکیه، اما هیچیک به مساله مورد نظر پژوهش حاضر نپرداخته اند. از جمله این آثار می توان به این موارد اشاره کرد: شرح بر خطبه حضرت زهرا س سید عزالدین حسینی موسوی زنجانی؛ کتاب ملکه اسلام حاج میرزا خلیل کوه کمره ای؛ رساترین دادخواهی و روشنگری محمدتقی مصباح یزدی؛ شرحی کوتاه بر خطبه فدک به قلم مجتبی تهرانی؛ کتاب اسرار فاطمی شرح خطبه فدکیه، اسماعیل منصوری لاریجانی؛ شرح خطبه فدکیه (سند حقانیت ومظلومیت اهل بیت) سیداحمد حسینی خراسانی؛ شرحی بر خطبه فدکیه حضرت زهرا مبنای معرفتی و زمینه های تاریخی محمدمهدی میرباقری نشر تمدن نوین اسلامی؛ خطبه های فاطمی از پورسیدآقای در دانشنامه فاطمی؛ هفتگانه خطبه تاریخی حضرت زهرا س، ناصر مکارم شیرازی؛ مقاله «ویژگی های خطابی خطبه فدکیه»، فرشته ندری ایبانه، مقاله واکاوی اعتبارسنجی خطبه فدکیه در سنجه معیارهای فریقین، فاطمه زیان و همچنین مقاله نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، سایت پژوهش. در تمام این آثار اگرچه به تحلیل خطبه پرداخته شده اما به مساله پژوهش حاضر

۱. از منابع روایی می توان به من لایحضر ج ۳ ص ۵۶۸، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ابن حیون مغربی (متوفای ۳۵۳ق) ج ۳، ص ۳۴ تا ۴۰ و از منابع تاریخی می توان به بلاغات النساء، ص ۲۶ و ۳۰ اشاره کرد. از منابع تفسیری می توان از تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۵ نام برد و از منابع کلامی الشافی فی الامامه ج ۴، ص ۷۶-۸۵ نیز به صورت مفصل این خطبه را نقل کرده است.

(بخش پایانی خطبه)، نگاه عمیق و تحلیلیگراانه اتفاق نیافتاده است.

ترجمه فارسی عبارت مورد اختلاف^۱ که بسیاری آنرا به عنوان بخش پایانی خطبه در نظر گرفته اند چنین است:

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیه السلام در انتظار او به سر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده و در خانه اتهام به زمین نشستهای، شاه پرهای شاهین را شکسته، و حال آنکه پرهای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند و مردم از یاریم چشم پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.

آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی، همان روز خویشتن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می کشتی و امروز بر روی زمین آرمیده ای، گوینده ای را از من دفع نکرده و باطالی را از من دور نمی گردانی و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم، مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می گویم خداوندا عذر می خواهم و یاری و کمک

۱. متن عربی این فراز: ثم انكفأت عليها السلام و امير المؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار، قالت لامير المؤمنين عليهما السلام:

ابن ابي طالب! ائتممت شملة الجنين، و قعدت حجرة الطنن، نقضت قادمة الاجدل، فخانك ريش الاعزل. هذا ابن ابي قحافة يترزني نحلة ابي و بلغه ابنى! لقد اجهر في خصامي و الفيتة الد في كلامي حتى حسنتي قيلة نصرها و المهاجرة وصلها، و غصبت الجماعه دونى طرفها، فلا دافع و لا مانع، خرجت كاطمة، و عدت راغمة. اصرت خدك يوم اصعت خدك، افترست الذئب و افترست الثراب، ما كفت قابلا و لا اغنيت باطلا و لا خيار لي، ليتني مت قبل هنتي و دون دلتى، عذيري الله منك عادياً و منك حامياً. ويلاى في كل شارق، ويلاى في كل غارب، مات العمد و وهن العصد، شكواى الى ابي و عدواى الى ربى، اللهم انك اشد منهم قوة و حولاً، و اشد بأساً و تنكيلاً.

فقال امير المؤمنين عليه السلام: لا ويل لك، بل الويل لسانك، نهنتني عن وجدك، يا ابنة الصفة و بقة النبوة، فما وثبت عن ديني، و لا اخطات مقدوري، فان كنت ترديدن البلغة فرزك مضمون، و كليلك مأمون، و ما اعد لك افضل مما قطع عنك، فاحسبي الله، فقالت:

حسبي الله، و أمسكت. (طبرسي، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۸)

از جانب توست. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و قدرتت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده، از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن.

حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه سکوت کرد. . .

در منابع مختلف بخش مزبور به عنوان فقره پایانی خطبه ارائه شده است که محتوای آن شک برانگیز است که آیا این قسمت جزئی از خطبه است یا خیر؟ این سؤال جدی وجود دارد که آیا این بخش بر زبان حضرت زهرا جاری شده یا خیر؟ مقاله حاضر در صدد است با ارائه چهار دلیل، به نفی صدور این بخش از خطبه از سوی حضرت زهرا(س) بپردازد. در مقدمه پاسخ باید گفت؛ مورخان، متکلمان و محققان در قرون مختلف نسبت به این مسأله واکنش‌های متفاوتی نشان داده و رویکرد واحدی اتخاذ نکرده‌اند. این واکنشها به چهار مواجهه تقسیم می‌شود. می‌توان گفت شماری از آنان با توجه به تردید در محتوا، این بخش را در آثار خود نقل نکرده‌اند، البته اینان ترجیح داده‌اند در این باره توضیح یا اظهارنظر خود را ارائه نمایند. آیت الله مصباح یزدی در رساترین دادخواهی و روشنگری که به تفصیل (در دو مجلد) شرح خطبیه فدکیه را ارائه کرده است، هیچ اشاره‌ای به این بخش ننموده است. سیدجعفر شهیدی در صدور این بخش تردید می‌کند اما قضاوت نهایی درباره آن را از عهده پژوهندگان تاریخ خارج می‌داند. (شهیدی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۴۳) مولف کتاب بصیرت‌های فاطمی که شرح خطبه فدک را تدوین کرده بخش پایانی را نیاورده و توضیحی نیز در این باره ارائه نمی‌کند (قریب بلوک)؛ در کتاب سحر سخن و اعجاز اندیشه در بازخوانی آموزه‌های بعثت، اشاره‌ای به این بخش نشده است. شرح الاخبار (متوفای ۳۶۳ق)، بخشی از خطبه را بدون سند و مرسل از عبدالله بن سلام نقل می‌کند (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۴-۴۰ ح ۱۷۴) قاضی نعمان اسماعیلی مذهب، علی‌رغم اینکه شرح مفصلی نسبت به واژگان خطبه ارائه می‌کند اما اشاره‌ای به قسمت پایانی خطبه ندارد.

گروه دوم، آن را ذکر کرده اما با بیان دلیل یا دلایلی نپذیرفته‌اند. مانند جمیل حمود(از

اندیشمندان معاصر) در کتاب «ابهی المداد فی شرح موتمر علماء بغداد» نسبت به انتساب این قسمت به حضرت زهرا تردید جدی وارد کرده و با دلایلی آنرا نمی پذیرد از جمله اینکه شدت توییح نسبت به امام علی مانع از پذیرش است و همچنین عبارت دعا و نفرین علیه خود توسط حضرت زهرا مطلبی نیست که قابل دفاع باشد و اینکه متهم کردن فاطمه زهرا به دنیا طلبی و هدف او را طلب رزق مادی دانستن از سوی حضرت علی ع بعید و دور از ذهن است. (جمیل حمود، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱) دسته سوم نیز بدون ارائه شواهد و دلایلی، این فقره را به عنوان بخش انتهایی خطبه پذیرفته اند. در کتاب الدر النظیم یوسف بن حاتم شامی (قرن ۷ق) خطبه بدون استناد به منبعی به طور کامل نقل شده است. (شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۸۰) در کتاب «فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی»، خطبه به شکل کامل به نقل از بحار الانوار مشاهده می شود. (رحمانی همدانی، ۱۳۷۲ش، ص ۳۶۲-۳۶۶) دسته چهارم برای پذیرش آن به عنوان خطبه فدکیه توجیه یا دلیل ارائه کرده اند که در ادامه به تبیین و نقد آن پرداخته می شود.

۱- نقد و بررسی توجیهات و دلایل اثبات خطبه بودن فراز مذکور

بایسته است شواهد، دلایل و توجیهات ارائه شده برای خطبه بودن قسمت مذکور که از سوی شماری از محققان بیان شده است، مورد بررسی و پاسخگویی قرار گیرد. سپس شواهد و دلایلی برای اثبات مدعای خود مطرح نمود.

۱. مصلحت سنجی، عامل صدور: علامه مجلسی و برخی دیگر از اندیشمندان، بخش پایانی را پذیرفته و توجیهاتی از قبیل مصلحت بودن بیان این کلمات از سوی حضرت زهرا س را مطرح می کنند و اینکه ایشان منکر عملکرد امیرالمومنین نبوده و رضایت کامل نسبت به آن داشته است.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۳۲۴؛ تبریزی انصاری، بی تا، ص ۳۲۱-۳۲۴) اما در پاسخ باید گفت، درست است که مصلحت سنجی و درک شرایط و اقتضائات، عامل مهمی در بیان برخی سخنان و صدور رفتار خاصی از سوی افراد می تواند به شمار آید، اما مصلحت سنجی مقوله ای است که نسبت به فرد معصوم و غیرمعصوم از جایگاه یکسانی برخوردار نیست، یک انسان دارای ملکه عصمت، مجاز نیست به جهت رعایت مصلحت، کلامی بر زبان جاری کند و یا رفتاری داشته باشد

۱. علامه مجلسی در بحار الانوار خطبه را از احتجاج طبرسی که به شکل مرسل نقل کرده، بیان می کند (ج ۲۹، ص ۲۲۰ تا ۲۲۵) همچنین از بلاغات النساء هم بیان می کند. (ج ۲۹، ص ۲۳۵)

که با ابعاد و ساحت های مختلف عصمت منافات داشته باشد^۱. همچنین از آنجا که پذیرش صدور این سخن از حضرت زهرا (س) در واقع زیر سوال بردن صحت عملکرد امام علی (ع) را به همراه خواهد داشت، از اینرو نمی تواند دارای مصلحت و منطبق با شرایط باشد.

۲. صدور آن به دلیل شدت حزن و مظلومیت: نویسنده ناگفته های فدک، پس از پذیرش این بخش از خطبه، درصدد توجیه صدور آن از سوی حضرت زهرا س برآمده است از جمله اینکه ایشان از شدت حزن و مظلومیت، این سخنان را بر زبان جاری کرده است. (غفاری، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۴۱-۳۴۰)

اما توجه به این مهم لازم است که، مساله ای که گاهی مورد غفلت قرار می گیرد همسان پنداشتن همه انسان ها حتی معصومان با سایر مردم است یعنی همانگونه که انسان معمولی در شرایط دشوار و حزن انگیز دست به اقدام خاصی می زند و یا کلامی ناصحیح و ناشایست بیان می نماید، فرد معصوم نیز تحت تاثیر اوضاع و شرایط خاص ممکن است تسلط خود را از دست داده و رفتار نامناسبی ارائه کند این در حالی است که خداوند متعال درباره پیامبر ص به عنوان یک معصوم می فرماید «وما یطق عن الهوی» (نجم، آیه ۳) یعنی از روی هوا و هوس سخن نمی گوید و همه رفتار و سخنان ایشان در هر اوضاع و شرایطی صحیح و به جاست، براساس آیات و روایات فراوانی، حضرت زهرا و امامان دوازده گانه (علیهم السلام) نیز دقیقا همین مقام را دارا هستند.^۲

۳. پرخاش مقدس: عزالدین حسینی زنجانی، در شرح خطبه حضرت زهرا س، دو پاسخ در توجیه این رفتار و پرخاش حضرت فاطمه (س) نسبت به امام علی ع ارائه می کند. یکی اینکه این گونه پرخاش از سوی برخی از انبیاء هم صادر شده است که پرخاش مقدس نامیده می شود مانند پرخاش حضرت موسی نسبت به هارون پس از بازگشت از کوه طور.^۳

۱ امام رضا علیه السلام در حدیث بلند خویش در مرو با عبارات مختلفی، مفهوم عصمت را تبیین کرده اند. ایشان در عبارات «الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ»، قلمرو عصمت را تبری از گناه و عیوب دانسته و در عبارت «قَدْ آمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْبِئْسَارِ» قلمرو عصمت را به پاکی از خطا و لغزش نیز گسترش داده اند. البته این شبهه نیز مطرح نمی شود که موضوع روایت مذکور، امامت است چراکه عصمت حضرت زهرا (س) بر اساس آیه تطهیر و روایات دیگر اثبات شده و در این روایت، قلمرو مفهومی عصمت بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ۲۰۳ و ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ ق، ۲۲۳)

۲. آیات و روایات فراوانی برای اثبات مقام عصمت برای حضرات ائمه و فاطمه زهرا س از سوی محققان مورد استناد قرار می گیرد مانند آیه اولی الامر، آیه تطهیر، آیه ابتلا، آیه مودت و... همچنین روایاتی نظیر حدیث ثقلین، حدیث سفینه و حدیث امان و...
 ۳. آیه ۹۴ سوره طه (قَالَ يَا اِبْنُ اُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي اِنِّي خَشِيتُ اَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي اِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي)

دوم اینکه به عنوان همدردی و مطابق با خواسته قلبی حضرت مولی بوده است. (حسینی زنجانی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۴۲)

در پاسخ به این توجیه، می توان به عدم صحت قیاس صدور چنین سخنی از حضرت زهرا س با رفتار حضرت موسی نسبت به برادرش هارون اشاره کرد. چرا که موسی قوم خود را به هارون سپرده و برای ماموریتی به کوه طور رفته بود و در غیاب وی اتفاقات ناخوشایندی برای پیروانش رخ داد که قابل پذیرش نبود و چون هارون را به جای خود جانشین کرده بود، او را مسوول می دانست از این رو برخورد تندی با برادرش کرد.^۱ اما چنین شرایطی در مورد حضرت زهرا س و امام علی وجود ندارد. نکته دیگر اینکه بحث پرخاش که مدنظر محقق است مربوط به لحن کلام و رفتار تند (گرفتن محاسن و سر هارون) حضرت موسی با هارون می شود، ایشان با این عمل می خواست به بنی اسرائیل بفهماند که گناه بسیار بزرگی مرتکب شده اند و بازگشت به گوساله پرستی مسئله ساده ای نیست، یا این که می خواست با این برخورد، بی گناهی هارون با توضیحاتی که می دهد بر همگان ثابت شود تا او را متهم به مسامحه در ادای رسالتش نکنند، از اینرو این واکنش حضرت موسی منافاتی با عصمت ندارد درحالی که در زمینه سخنان حضرت زهرا س، اولاً حضرت صدیقه طاهره (س)، هم طراز با انبیاء بنی اسرائیل نبوده بلکه از نظر جایگاه وجودی، صحیفه ایشان، از منابع علم ائمه دوازدهگانه محسوب شده که در دانش امامت به آن مراجعه می کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۳۹) ثانیاً روایت قطعی الصدور در خصوص عدم آزار حضرت علی علیه السلام از سوی حضرت زهرا

۱. اگر کسی چنین شبهه کند که صدور یک رفتار که ناشی از خشم و عصبانیت باشد، ممکن است از فرد معصوم صورت گیرد، مانند حضور حضرت موسی در منازعه یکی از هواداران فرعون و یکی از بنی اسرائیل، که ایشان طرف مقابل را کشت و طبق آیات شریفه ۱۵ و ۱۶ سوره قصص (وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَلَقُوا مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُقَاتِلَانِ أَحَدًا مِنْ شِيعَتِهِ وَآخَرًا مِنْ عَدُوِّهِ. فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي) این رفتار ایشان عمل شیطانی به شمار آمده و موسی اعتراف به ظلم به خویشان کرده است؟! براساس این آیات، موسی علیه السلام به ظاهر مرتکب رفتار شیطانی شده و به خویشان ظلم نموده است.

در پاسخ به این شبهه به روایت ارزشمند امام رضا ع تمسک می جویم که وقتی مامون از این آیات از ایشان سوال کرد، حضرت اینگونه پاسخ دادند: آن مشت سختی که وی به سینه آن فرد کوبید، به فرمان الهی بود و اینکه گفت این از عمل شیطان است، اشاره به نبرد بین دو فرد بوده نه اینکه مراد، عملکرد حضرت موسی در برابر آن فرد هوادار فرعون بوده باشد. در واقع نزاع آندو نفر عمل شیطانی بوده نه رفتار موسی علیه السلام، مامون در ادامه پرسید: پس مقصود از این عبارت که گفت من به خود ظلم کردم چیست؟ امام علی بن موسی الرضا فرمود: یعنی من خودم را در جایی قرار دادم که نمی بایست قرار می دادم، چون وارد این شهر شدم، پس خدایا مرا ببخش. (عیون اخبار، ج ۱، ص ۱۹۹)

(س) وجود دارد و ثالثاً محتوا و مضمون کلام در بخش آخر خطبه، با شخصیت ایشان و حتی مقام عصمت همخوانی ندارد.

۴. **مورد خطاب بودن استبداد نه امام علی ع:** نویسنده کتاب منشور دادخواهی ضمن پذیرش این بخش به عنوان خطبه، درصدد توجیه آن بدین شکل برآمده است: ایشان در اندیشه‌ی نشان دادن عظمت فاجعه و خطاب و نکوهش، آن هم به دامن استبداد است نه اینکه در واقع خواسته باشد همتای ارجمند و شریک آرمان‌های خویش را مخاطب قرار دهد. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۴۷)

در پاسخ به توجیه مذکور گفته می‌شود به چه دلیل حضرت زهرا س امام را مخاطب قرار داده و در واقع جریان استبداد و ظالمان مدنظر ایشان باشد، آیا شرایط اجازه این کار را نمی‌داد؟ که البته این سخن صحیح نیست زیرا فاطمه زهرا س تمام ادعاها و خواسته‌های خویش را در حضور جمع بسیاری از مردم مدینه و در خطاب به خلیفه اول مطرح کرد و همان جا اهمیت ماجرا و عظمت فاجعه را با صدای رسا به گوش حاضران رساند و نیازی به این نبود که مجدداً بخواهد آنرا در منزل خویش و برای همسر خود آن هم با این عبارات و خطاب به ایشان بازگو فرماید.

۵. **علت برای سکوت امام:** نویسندگان کتاب اسرار فدک ضمن پذیرش، آن قسمت را علت برای سکوت حضرت علی ع بیان کرده‌اند. (انصاری و رجایی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۹-۲۲۰) گرچه کسانی که در آثارشان این توجیه را برای اثبات دیدگاه خود برگزیده‌اند، تبیین روشنی از چگونگی دلالت فراز مزبور بر سکوت امیرالمومنین (ع) ارائه نکرده و بدون درنگ و با سهولت از کنار آن عبور کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد تعبیر سکوت در اینجا مناسب نیست و با واقعیت تاریخی درباره عملکرد امیرالمومنین (ع) سازگار نیست، چراکه حضرت علی (ع) چه پیش از صدور خطبه فدکیه و چه پس از آن، در موقعیت‌های متعدد، در برابر حق غصب شده خویش، واکنش نشان داده و سکوت اختیار نکردند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۴؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹)

۲- دلایل و شواهد نفی خطبه بودن این فراز

پس از نقد و بررسی توجیهاات و دلایل ارائه شده از سوی شماری از اندیشمندان، شایسته است برای اثبات مدعای مدنظر، می‌توان ادله و شواهدی را در راستای نفی صدور فراز مزبور از سوی حضرت زهرا س طرح نمود. در همین زمینه چهار مولفه مهم یعنی عدم نقل در منابع متقدم، منافات داشتن با عصمت حضرت زهرا س، تناقض این بخش با سایر سخنان ایشان درباره امیرالمومنین و

تضاد مذکور فقره با سایر بخش های خطبه فدکیه، می توان ارائه کرد:

۲-۱- عدم نقل در منابع متقدم

این بخش که برخی آنرا به عنوان خطبه فدکیه به شمار آورده اند، در منابع متقدم نقل نشده است. در کتاب «بلاغت النساء» که مولف (متوفای ۲۸۰ق) آن، به جمع آوری خطابه ها و سخنان بانوان تاثیرگذار اسلامی اهتمام داشته، این بخش را نقل نکرده است.^۱

در کتاب «السقیفه و فدک»، اثر محمد بن عبدالعزیز جوهری (متوفای ۳۲۳ق)، «شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار»^۲ ابن حیون مغربی (م ۳۸۳ق)، «من لایحضره الفقیه» و «علل الشرایع» شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق)، «مناقب علی بن ابی طالب» نوشته ابن مردویه اصفهانی (م ۴۱۰ق) «الشافی فی الامامه» سیدمرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶ق) و «دلایل الامامه» نوشته محمدبن جریر طبری (متوفای اوایل قرن پنجم) این قسمت ذکر نشده است.^۳ در همین زمینه، «دلایل الامامه»، خطبه فدک را به شکل طولانی آورده (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱ تا ۱۲۴) البته قسمت پایانی را ندارد و فقط اشاره می کند که حضرت زهرا به منزل بازگشت و شکایت کرد (رجعت فاطمه الی منزلها و تشکت) (همان ص ۱۲۴) همچنین طبری، حمایت ام سلمه از حضرت زهرا را در جریان محاجه ایشان با ابوبکر بیان می کند. (همان)

به نظر می رسد نخستین فردی که خطبه فدکیه را به همراه این بخش نقل کرده است، احمد بن علی طبرسی (متوفای ۵۴۸ق) در کتاب «الاحتجاج» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷) باشد و پس

۱. حدیثی جعفر بن محمد رجل من أهل دیار مصر لقیته بالرافقه قال: حدثنی ابي قال: أخبرنا موسى بن عیسی قال: أخبرنا عبد الله بن یونس قال: أخبرنا جعفر الأحمر عن زید بن علی رحمه الله علیه عن عمته زینب بنت الحسین (ص ۲۶) بقیه خطبه را با این سند بیان می کند: و حدیثی عبد الله بن أحمد العبدی عن حسین بن علوان عن عطیة العوفی: أنه سمع أبا بكر رحمه الله یومئذ یقول: لفاطمه ع: یا ابنة رسول الله لقد كان ص بالمؤمنین رءوفا رحیما و علی الكافرین عذابا ألیما (ص ۳۰) البته منظور از زید بن علی که در سلسله سند این طیفور آمده زید بن علی بن حسین بن زید بن علی بن حسین هم عصر با امام هادی ع است.

۲. ابن حیون مغربی (متوفای ۳۵۳ق) خطبه را به صورت مرسل نقل کرده است: محمد بن سلام، باسناده، عن فاطمة علیها السلام، أنه لما اعتزم أبو بكر علی منعه ج ۳، ص ۴۰ تا ۳۴

۳. طبری یا چند سند این خطبه را نقل کرده است از جمله حدیثی ابو المفضل محمد بن عبد الله، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعید الهمدانی، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عثمان بن سعید الزیاتی، قال: حدثنا محمد بن الحسین القصبانی، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی السکونی، عن أبان بن عثمان الأحمر، عن أبان بن تغلب الریعی، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال: لما بلغ فاطمة (عليها السلام) إجماع أبي بكر علی منع فدک... (دلایل الامامه، ص ۱۱۱)

از او می توان به ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ق) در کتاب «مناقب آل ابی طالب» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۸) اشاره نمود. البته هیچیک از این دو منبع قرن ششم هجری، سندی برای نقل خود ارائه ننموده اند.

با اینکه سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ق) در «الطرائف» به صورت مفصل خطبه را نقل کرده (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۷۰) اما به قسمت پایانی اشاره ننموده است، این در حالی است که ابن طاووس از لحاظ زمانی پس از طبرسی و ابن شهر آشوب بوده و به منابع آنان نیز دسترسی داشته است. این نکته درباره اربلی، صاحب «کشف الغمه» که هم عصر ابن طاووس است، نیز مشاهده می شود. اربلی (متوفای ۶۹۲ق)، علی رغم ارائه تفصیلی خطبه، بخش پایانی را بیان نکرده است. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۴۸۰ تا ۴۹۲)

سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ق) در «تذکره الخواص» به صورت خیلی خلاصه به ماقع احتجاج حضرت زهرا (س) اشاره می کند و در حد چند سطر، استدلال ایشان در مساله ارث و شعر قرائت شده را ارائه می کند. (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸۵)

۲-۲- منافات داشتن با عصمت حضرت زهرا س

ابتدا باید دانست عصمت دارای چه قلمرویی است و آیا لحن و محتوای این فراز، با قلمرو عصمت تطابق دارد؟ عصمت، مشتق از ماده عصم و از نظر برخی به معنای دفاع و تحفظ است. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۹۸۶ و ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ۴۰۳) و از دیدگاه عده ای دیگر به معنای منع بکار رفته است. (و ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۴، ۳۳۱ و طریحی، ۱۹۸۵، ج ۶، ۱۱۶)

قلمرو عصمت شامل عصمت از گناه، خطا، نسیان و صفات متنافره است. شیخ صدوق، قلمرو عصمت را، مطهر بودن از هر ناپاکی (دنس)، گناه کبیره و صغیره، نقص، عصیان و جهل می داند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ۹۶) و شیخ طوسی، قلمرو عصمت را جمیع قبائح صغیره و کبیره از روی عمد و نسیان معرفی می کند. ایشان، دلیل عصمت از جمیع قبائح را، لزوم تنزه معصوم ذکر می کند چرا که اگر دایره تطهیر از قبائح، جامع نباشد، موجب رویگردانی مردم از قول ایشان خواهد شد، لذا خداوند متعال حتی انبیا و ائمه علیهم السلام را از امراض و هر مساله ای که موجب نفرت شود، دور نگاه داشته است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۲۶۱)

خواجه نصیر طوسی (متوفای ۶۷۲ق) نیز قلمرو عصمت را شامل گناه و سهو و صفات متنافره می داند. ایشان حتی امر مباحی چون غذا خوردن در مسیر عبور مردم را نیز از صفات متنافره و منافی

عصمت معرفی می‌فرماید. (خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۳) علامه حلی نیز در شرح تجرید، بر همین عقیده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۹). بنابراین معصوم، مطهر از هر نوع ناپاکی اعم از گناه، اشتباه، نسیان و صفات متنافره است. حال باید دید فراز پایانی خطبه، با قلمرو عصمت تطابق دارد یا خیر؟ بخش پایانی خطبه، دارای لحنی پرخاشگرانه است:

آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۸)

این گفتار و لحن، به وضوح بر انتظار حضرت زهرا(س) نسبت به مساعدت امام علی علیه‌السلام و عدم حمایت مورد انتظار از ایشان در احقاق حق دلالت دارد. درحالی‌که اولاً استنکاف از احقاق حق، مناسب شأن امام معصوم نیست و اگر کسی پاسخ دهد که زمانه، اجازه احقاق حق را به امام نمی‌داد باید به او جواب داد که چگونه حضرت زهرا(س) با علم لدنی خویش، وضع زمانه را نمی‌شناخت و امام را به اشتباه شماتت کرد؟^۱ و ثانیاً تاریخ و ادله تاریخی گواه این است که امام، تمام تلاش خویش را برای روشنگری انجام داد. لذا این فراز از خطبه، یا دلالت بر فراموشی مقام ولایت و امامت حضرت علی علیه‌السلام از سوی بانوی معصوم ایشان در آن لحظه دارد که با عصمت از نسیان، در تنافی است و یا بر این نکته دلالت دارد که حضرت، در آن لحظه دچار غم و خشم شدید شده و به خطا زبان به شماتت گشوده‌اند که اینهم با عصمت از خطا تطبیق ندارد. ایشان در همین فراز با عبارت «عَذِیرِیَ اللّٰهُ مِثْکَ عَادِیًّا وَ مِثْکَ حَامِیًّا» در حقیقت به خاطر لحن یا محتوای سخن خویش، به خدا پناه می‌برد که نشاندهنده اذعان به خطا بوده و با عصمت در تنافی کامل است.

۱. اگر گفته شود این تبیین‌ها همخوانی لازم با گزاره‌های تاریخ اهل بیت(ع) ندارد. چه اینکه امام حسن(ع) نیز امام علی(ع) را در ماجرای جنگ جمل مورد شکایت قرار داد و در واقع ایشان با سیاست‌های پدرش موافق نبود. باید یادآور شد که بررسی گزاره‌های تاریخی هماهنگی و همخوانی امام حسن با سیاست‌ها و عملکرد حضرت علی را نشان می‌دهد. امام حسن ع در خطبه‌ای که بعد از شهادت پدر بزرگوارش خواند، به صراحت مواضع پدرش را مورد تایید قرار داد و ایشان را مردی بی نظیر و فردی که یادش در ذهن‌ها باقی می‌ماند، توصیف کرد. امام حسن حتی در جنگ صفین پس از خطبه حضرت علی ع برای لشکریان سخنرانی کرد و آنان را برای ایستادگی در برابر دشمن به اتحاد فرا خواند و از آنان خواست تا روحیه جنگاوری را رها نکنند. (منقری، پیکار صفین، ص ۴۰۴)

۲-۳- تناقض این بخش با سایر سخنان ایشان درباره امیرالمومنین (ع)

با بررسی و مقایسه این فقره که در تعدادی از آثار به عنوان جزیی از خطبه فدکیه مطرح شده است، با سایر سخنان و سیره حضرت زهراء درباره امام علی ع، عدم هماهنگی این بخش با سایر موارد آشکار می شود. رویکرد فاطمه زهرا س به امام به مثابه راهنما، مقتدا و فرد معصوم است، به گونه ای که عملکرد و فرامین ایشان را صحیح و مطاع می داند.

حضرت زهرا(س) در واکنش به یکی از افراد جاهل مدینه که در برابر خورشید تابان وجود امیرالمومنین(ع)، زبان به سرزنش گشوده بود، فرمود:

او (علی) امام ربانی و الهی، و هیكلی نورانی، مرکز توجه همه عارفان و سالکان الی الله و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده به حق و روا، مرکز و نقطه دایره امامت است^۱ و... (محلاتی، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۹۳)

در ماجرای دستگیری حضرت علی(ع) توسط ایادی حکومت نوپا در مدینه، فاطمه زهرا(س) در حمایت از همسر مظلوم خود پس از بی نتیجه دیدن تلاش خود، تصمیم به نفرین مسببان این مصیبت گرفت که امام پس از اطلاع یافتن از این تصمیم سلمان فارسی را خدمت فاطمه علیهاالسلام فرستاد تا سخن امام را به ایشان برساند و بگوید:

(فاطمه بخانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید) وقتی حضرت زهرا علیهاالسلام پیام امام را شنید فرمود: اذا ارجع و اصبر و اسمع له و اطیع

(حال که شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم،) می روم و صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۷۱۰)

البته همین نگرش و رویکرد در سیره حضرت علی نسبت به همسر گرامی شان نیز صدق می کند ایشان در این زمینه فرمود: به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود، او نیز هرگز مرا خشمگین نساخت... در هیچ امری قدمی برخلاف میل باطنی من برنداشت. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

۱. «و هو الامام الربانی و الهیکل التورانی قطب الاقطاب و سلاله الاطیاب التاطق بالصواب نقطه دائرة الامامة و أبو بنیه الحسن و الحسین الذین هما ریحاتی رسول الله سیدی شباب اهل الجنة»؛

۲-۴- تضاد این فقره با سایر بخش های خطبه فدکیه

یکی دیگر از شواهد و دلایلی که می توان برای رد انتساب این بخش به حضرت زهرا (س) اقامه کرد، تضاد محتوایی فقره مزبور با سایر بخش های خطبه فدکیه است. حضرت زهرا(س) در این خطبه بیش از ده فضیلت برجسته امیرالمؤمنین(ع) را ذکر کرده اند. نخستین فضیلت مورد اشاره ایشان، فضیلتی بی مانند است که تنها امیرالمؤمنین(ع) از آن برخوردار بوده اند. این فضیلت ارزشمند و بی بدیل، برادری رسول خدا(ص) است؛ کلام حضرت فاطمه(س) چنین است:

«أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۱۰۰؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ۲۶۴) هرگاه که شیطانی سر برآورد یا ازدهایی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند و او تا زمانی که سرآنان را به زمین زد و... ویژگی دیگر مورد اشاره حضرت زهرا(س) شجاعت و دلوری امیرالمؤمنین(ع) است. ایشان می فرمایند: در سخت ترین شرایط، که هیچ سرداری حاضر به خطرپذیری نبود، امیرالمؤمنین(ع) هراسی به دل راه نمی دادند و در راه خدا پیکار می کردند(همان، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ۲۵۰). این ویژگی امام که بر زبان حضرت زهرا س جاری شده است کاملاً با صفت ترس داشتن و زبون بودن که در قسمت مورد اختلاف مشاهده می شود، ناسازگار است و البته این هوشیاری، تیزبینی و مدیریت دقیق امیرالمؤمنین از دیگر فضایل ایشان از نگاه حضرت زهرا س است که به هیچ وجه با اتهامات وارده در سخنان منتسب به دختر نبی خدا ص همخوانی ندارد.

نتیجه گیری

آنچه مدعی این مقاله را پوشش می‌دهد، انکار انتساب بخش پایانی خطبه فدکیه به حضرت زهرا(س) است و البته این مدعا با چهار دلیل تقویت و اثبات شده است. این نکته مهم است که مواجهه متکلمان و محققان در طی قرن‌ها، نسبت به این فراز یکسان نبوده و با رویکردهایی چون عدم ذکر این فراز، ذکر و عدم پذیرش آن، پذیرش و توجیه و در نهایت پذیرش بدون توجیه با این فراز روبرو شده‌اند. اما نتیجه بررسیها در این مقاله، این مطلب را پررنگ و تقویت می‌کند که اساسا انتساب این فراز به حضرت، استبعاد دارد، چراکه اولاً چنین بخشی در منابع متقدم ذکر نشده که دلیل محکمی بر انکار آن است. ثانياً، لحن و محتوای کلام با مقام عصمت حضرت ناسازگار بوده و ثالثاً این بخش با سایر سخنان ایشان درباره امیرالمومنین(ع) تطابق ندارد. چراکه حضرت زهرا(س)، بارها به مقام عظمای امامت و ولایت در حضرت علی(ع) معترف بوده و حتی دعوت کننده مردم به سوی امام است و این علم به مقام امامت، با آنچه در فراز پایانی آمده سنخیت ندارد. و در آخر این بخش از خطبه در محتوا، با سایر بخش‌های خطبه فدکیه نیز هم‌تراز نیست. چگونه می‌شود حضرت زهرا(س) به مسجد رفته و از مقام امامت دفاع کرده و عباراتی باشکوه در خصوص حضرت علی علیه‌السلام به زبان جاری کند و در نهایت با شماتت از حضرت، بنای افراشته از مقام امامت و پرچم به اهتزاز درآمده را سرنگون سازد؟ این مسأله علاوه بر همه ادله مذکور در مقاله، با حکم عقل نیز ناسازگار است.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحديد، (۱۳۸۳ش) شرح نهج البلاغه، قم، مكتبه آيه الله نجفی
۲. ابن بابويه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۸۵ش) علل الشرايع، قم، كتابفروشی داوری، اول
۳. ابن بابويه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم
۴. ابن بابويه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۱۴ق) الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، چاپ دوم
۵. ابن جوزی، تذکره الخواص، (۱۴۱۸ق) قم، منشورات الشریف الرضی، اول
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۴۰۹ق) شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام - تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، اول
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۳۷۹ق) المناقب، قم، نشر علامه
۸. ابن عطیه، جمیل حمود، (۱۴۲۳ق) ابھی المداد فی شرح موتمر علماء بغداد، بیروت، موسسه الاعلمی، اول
۹. ابن فارس، احمد بن زکریا؛ (۱۴۲۰ق) معجم مقاییس اللغة؛ بیروت، دارالجيل، چاپ اول
۱۰. ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۰ق) الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، تحقیق علی شیري، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى
۱۱. ابن مردویه اصفهانی، (۱۴۲۴ق) مناقب علی بن ابی طالب، قم، دار الحديث، دوم
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰ق) لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ اول
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق) کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) - تبریز، چاپ: اول
۱۴. انصاری، محمدباقر و سیدحسین رجایی، (۱۳۸۳ش) اسرار فدک، قم، دلیل ما، سوم
۱۵. بحرانی، سیدهاشم، (۱۳۷۴ش) البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه، اول
۱۶. البستانی، محمود، (۱۴۲۴ق) بصیرت های فاطمی، قم، دارالحسین، اول
۱۷. تبریزی انصاری، محمدعلی بن احمد، (بی تا) اللمعه البیضا فی شرح خطبه الزهراء، قم، موسسه الهادی
۱۸. جوهری، اسماعیل، (۱۴۰۷ق) الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد

- عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین
۱۹. حسینی زنجانی، سیدعزالدین، (۱۳۷۸ش) شرح خطبه حضرت زهراء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دوم
۲۰. حلی، حسن بن سلیمان، (۱۴۲۱ق) مختصر بصائر الدرجات، قم، جامعه مدرسین، اول
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم
۲۲. خلجی، محمدتقی، (۱۳۸۸ش) سحر سخن و اعجاز اندیشه در بازخوانی آموزه های بعثت، قم، صحیفه خرد، اول
۲۳. رحمانی همدانی، احمد، (۱۳۷۲ش) فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، تهران، نشر المرضیه، الثانيه
۲۴. سید ابن طاووس، (۱۴۰۰ق) الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم، خیام، اول
۲۵. شامی، یوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ق) الدر النظیم فی شرح الائمه اللهمیم، قم، جامعه مدرسین، اول
۲۶. شریف مرتضی، (۱۴۱۰ق) الشافی فی الامامه، تهران، الصادق ع، دوم
۲۷. شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۶۵ش) زندگانی فاطمه زهراء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ششم
۲۸. طبرسی احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، اول
۲۹. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ق) دلائل الإمامة (ط - الحدیثه) - ایران؛ قم، چاپ: اول
۳۰. طریحی، فخرالدین، (۱۹۸۵م) مجمع البحرین، بیروت، دارالمکتبه الهلال
۳۱. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۴۰۷ق) تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۶ق) الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق) تفسیر عیاشی، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه العلمیه

۳۴. غفاری، ابوالحسن، (۱۳۹۳ش) ناگفته های فدک، قم، انتشارات شاکر، اول
۳۵. قریب بلوک، حسین، (بی تا) بصیرت های فاطمی، قم، انتشارات حرم
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق) تفسیر القمی، قم، چاپ: سوم
۳۷. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۷ش) منشور دادخواهی، قم، دلیل ما، دوم
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، چاپ: چهارم
۳۹. ابن ابي زینب، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی - تهران، چاپ: اول
۴۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، بیروت، دار احیا التراث العربی، دوم
۴۱. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۹ق) ریاحین الشریعة، تهران، دارالکتب الاسلامیة
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۲ش) رساترین دادخواهی و روشنگری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اول
۴۳. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۴۱۳ق) الاختصاص، ایران، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول
۴۴. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۳۷۰ش) پیکار صفین، شرح و تصحیح عبدالسلام هارون، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی